**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**بررسی شیوه استنباطی مرحوم روحانی**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و هشتم\_15 بهمن 1398**

چهار نکته در تعلیقه به فرمایش منتقی الاصول عرض کردیم اما نکته پنجم؛

شما فرمودید از باب احتیاط مراجعه می کنیم به روایات کتب معتبره، ما نفهمیمدیم اگر جایی مضمون روایات خلاف احتیاط بود، به ویژه آن که مشهور هم موافق احتیاط فتوا داده باشد، شما چکار می کنید؟ کسی مثل مرحوم آقای خویی اینجا پاسخش واضح است، مهم برای من حجیت خبر است اگر خبر معتبر است بهش عمل می کنم هر چه مضمونش باشد، مشهور هم مخالف هستند که باشند برای ایشان اشکال ندارد ولی حضرت عالی از باب رعایت احتیاط پیش می آید کسی که از باب رعایت احتیاط می آید سراغ روایات، اگر یک روایتی بود که مضمونش خلاف احتیاط بود، چه می کند؟ آیا مقتضای احتیاط این است که انسان بعد از غسل جمعه وضو بگیرد یا نه؟ احتیاط می گوید بگیرد. حال اگر روایت گفت لازم نیست و لزومی ندارد از طرفی هم مشهور می گوید نه باید وضو بگیرید. مثل آقای خویی راحت است اینجا چون می گوید خبر حجت دارم بر عدم گرفتن وضو. اما ما نفهمیدیم شما که از باب احتیاط به روایات مراجعه می کنید این چه احتیاطی است که لازمه اش می شود خلاف احتیاط. اینجا شما احتیاطی کردید که لازم­اش خلاف احتیاط است. اگر آن روایت را حجت بدانید مشکلی نیست حجت است و احتیاط را می گذاریم کنار ولی فرض این است که شما از باب احتیاط دارید می آیید جلو.

نکته ششم؛ یک مقایسه ایی می کنند بین صفحه 218 با 361؛ در صفحه 218 همین جلد چهارم، بحث حجیت ظواهر، صفحه 361، آخر بحث انسداد است. می گوید بناءً علی العمل بالاخبار من باب الاحتیاط، ما باید بگوییم که انّا نعلمُ اجمالاً بالتقیید و التخصیص بعض مطلقات و عمومات الکتاب المجید. و ذلک مما یسقطها جمیعها عن الحجیة. این علم اجمالی باعث می­شود که جمیع اطلاقات و عمومات قرآن از حجیت بیافتد. لعدم تمییز مقید منها من غیره. فالعلم الاجمالی مانعٌ من اجراء اصالة الظهور فیها (در اطلاقات و عمومات قرآن).

صفحه 218: حرف مرحوم آخوند را نقل، توضیح و سپس قبول می کند. در پاسخ اخباریین که یکی از شبهات اخباریین چیست؟ این است که قرآن تخصیص و تقیید خورده است و ما علم اجمالی داریم و بقیه اش حجت نیست.

جواب آخوند و جواب ایشان این است که :

و ان علم اجمالا بطرو ما یخالف الظاهرمن مخصص و غیره، لکنّه یعلم انّه لو تفحص عنه، لاثر به و ظفر فمع الفحص عما یخالف الظاهر، و عدم وجدانه یعلم بانّ ذلک الظاهر خارج عن دائرة المعلوم بالاجمال، فلا مانع من الاخذ به،

آیا این دو عبارت قابل جمع است؟ شما در صفحه 218 به اخباری می گویید تحقیق و تفحص می کنم در روایات، اگر مخصصی پیدا کردم که هیچ، نشد آن آیه در عمومیت و اطلاق خود باقی است، آن وقت چطور در صفحه 361 می فرمایید جمیع اطلاقات و عمومات قرآن از حجیت ساقط است؟ ما نفهمیدیم این دو عبارت چطور باید با یک دیگر هم خوانی داشته باشید. به عبارت دیگر نکته­ایی را که باید به شما عرض کنیم این است که شما باید مبنایتان را همه جا اخذ کنید. شما گرایشی به انسداد دارید -ما اسمش را گذاشتیم اضطرار که مهم نیست.- این گرایش خود را نشان داده است از جمله صفحه 361، باید جاهای دیگر هم با همین گرایش مسائل را باز کنید. ان را بگذارید برای مرحوم آخوند. مرحوم آخوند می تواند صحبت کند چون انفتاحی است؛ اما مسلک شما با مسلک او متفاوت است مسلک شما همین حرف صفحه 361 است.

نکته هفتم؛ قطعا این بزرگوار اگر هم به اطلاقات و عمومات قرآن کریم در باب عبادات مراجعه نکند، در باب معاملات باید تمسک کند، چون اصلا فقه المعاملات بدون اطلاق قرآن شدنی نیست. و وفرق است بین اقیموا الصلاة با احل الله البیع. به اقیموا الصلاة نمی­شود تمسک کرد که مثلا قنوت واجب نیست. اما به احل الله البیع می توان تمسک کرد که عربی بودن صیغه لازم نیست چون بیع یک امر عقلائی است و احله الله البیع امضای این امر عقلائی است. یک نگاه می کنیم به احل الله بیع و با چشم دیگر مراجعه می کنیم ببینیم تبصره­ایی تعلیقه­ایی خاصی هست یا نیست؟ اگر بود به آن روایت عمل می کنیم و الا سراغ عمومات قرآن می رویم. این بیان صفحه 361 راه شما را در تمسک به اطلاقات باب معاملا می­بندد چون ما آن­جا روایت نداریم و گره را با اطلاقات باز می کنیم، نفهمیدم چرا مبنایی اخذ شود که به نظر می رسد نتیجه قطعیش این است که اطلاقات باب معاملات از دست فقیه گرفته شود و این یک هزینه سنگینی برای فقیه دارد و خود ایشان هم به این ملتزم نمی شود.

نکته هشتم؛ ایشان در اواخر صفحه 360 می فرماید: لان انما یقتضی الاستحباب و الکراهیة لیس بحجة شرعا. این جا دیگر تصریح می­کند که روایت در مستحبات و مکروهات حجت نیست. این دیگر نص کلام ایشان است. کسی که این را می گوید اصلا سبک بحثش در تسامح ادله سنن باید فرق بکند، از صفحه 518 ایشان وارد بحث تسامح در ادله سنن می شود که اگر روایتی ضعیفة السند بود و گفته بود فلان عمل مستحب است ایا واقعا می توان فتوا به استحباب داد با توجه به اخبار ضعیفه یا نه؟ این بحث تسامح را انفتاحیون را خیلی قشنگ می توانند مطرح کنند. انسدادی مثل میرزای قمی هم می تواند مطرح کند وسخن بگوید اما ایشان که می فرماید ما یقضی الاستحاب و الکراهیة لیس بحجة شرعا می خواهد بگوید هیچ کدام از اخبار استحباب و کراهة قابل افتاء نیست چه ضعیفة السند و چه قویة السند . ان وقت این اقا دیگر بحث تسامح بحث اینده مثل دیگران مطرح کند، کانّه مرحوم اخوند و اقای خویی است که دارد این حرف ها را می زند. شما بیا مبنایت را روشن کن.

و به عبارت اخری چرا مبنایی اختیار کنیم که بخشی از فقه عملا از دست ما گرفته بشود. مگر فقه فقط واجبات و محرمات است؟ می­شود مقدمه دوم انسداد را پذیرفت ولی مستحبات و مکروهات را هم در دایره فقه اورد. ایشان نهایتا اگر بگوید می گوید شما رجاءً مستحبات را انجام بده که در این رجاء هم صحبت است.

نکته نهم؛ ایشان در صفحه 360، فرمود استحباب کراهت روایاتش حجت نیست. از تراث روایی ما مستحبات و مکروهات رفت کنار. در همان صفحه 360 می فرماید ما یک سری واجبات و محرمات داریم که این ها را از راه ضرورت، تبادر اطمینان، سیره قطعیه و اجماعات بدست می آوریم. بحیث لنا ان ندعیَ عدمَ العلم بوجوبٍ او حرمةٍ غیرَ ما عُلِمَ وجوبُه او حرمتُه. یعنی می توان بگوییم همان چیزهایی که از راه ضرورت و سیره و اجماع فهمیدیم حرام است و واجب غیر از ان دیگر واجب و حرامی نداریم پس عملا روایاتی هم که می گوید فلان امر واجب است، و فلان امر حرام است ان ها هم برای شما کارایی ندارد چون این ها را از غیرروایات هم فهمیده­ایی. اگر چه در تقریرات شما نیامده است ولی می توانیم ادامه بدهیم و به شما هم نسبت بدهیم که شمایی که خبر واحد را تنها در دایره واجبات و محرمات می آورید عملا برای اخبار اخلاقی و روایات اعتقادی جایگاهی قائل نیستید و یا خیلی جایگاه کمی دارد. نفهمیدیم یک مبنای را انسان اتخاذ بکند که این تراث گرانقدر روایی را عملا تکه و پاره بکند و یک محدوده کم باقی بگذارد چرا ان هم فقط انجا که شما در کیفیت یک واجب، و حرام نه در اصل وجوب و حرام به روایات عمل بکنید.

نکته دهم؛ ایشان فرمودند اگر اکتفا کنیم به احتیاط در دایره اخبار کتب معتبره عسر و حرج به وجود نمی آید. خب در مورد حج ما روایاتی داریم که می گوید اینگونه احرام صورت بگیرد، روایت دیگر می گوید آن طور، طواف می گوید این روایت می گوید این طور باشد این یکی می گوید ان طور باشد. صلاة هم همین است، اگر کسی فقط بخواهد در حج بین روایات عمل به احتیاط بکند چکار باید بکند؟ عملا باید چند سال پشت سر هم به حج برود. در نماز هم همین است. اصلا شدنی نیست. اگر فقیه مثل آقای خویی است می آید روایات را می سنجد و این که درست است را انتخاب و فتوا می دهد ولی شما که اخبار برایتان حجیت ندارد از باب احتیاط عمل می کنید. نمی شود از باب احتیاط به این روایت عمل کنید و لی به ان عمل نکنید. مقلد حضرت عالی اگر بخواهد احتیاط انجام دهد ایا این اختلال نظام و حد اقل عسر و حرج نیست؟ شما عملا در فقه که می رسید مثل استادتان اقای خویی رفتار و عمل می کنید اما در اصول بحث را به گونه ایی مطرح می کنید که قابل التزام نیست. چطور بگوییم مکلف در دایره اخبار حتی اخبار کتب معتبره احتیاط بکند. این حتما به عسر و حرج می افتد شما می خواهید دایره را کوچک کنید که عسر وحرج نشود.

نکته یازدهم؛ ایشان فرمود ما مراجعه می کنیم به کتب معتبره، معیار کتب معتبره چیست؟ این را بیان نکردید چه کتابی را می گوییم کتاب معتبر؟ ما یک کتاب معبتر داریم و یک روایت معتبر. یکی از مهمترین ویژگی های کتاب معتبر این است که اکثر روایاتش معتبره باشد. معیارهایی دارد مثلا مولف که باشد، مقدمه اش چه باشد، علما چه نظری داشته باشند و یکی از ملاک ها هم همین است که اکثر روایاتش معتبره باشند. شما که نتوانستید روایت معتبره را از غیر معتبره جدا کنید چون در رجال گیر کردید چطور می خواهید وقتی روایات معتبر را از غیر معتبر تشخیص بدهید بگویید فلان کتاب معتبر است یا نه. چطور شد کتاب معتبر باشد ولی راه برای اعتبار­سنجی روایاتش نباشد. چه معیاری قرار می دهید برای این که هذا من الکتب المعتبره؟

این یازده نکته ما واقعا این ابهام ها در فرمایش ایشان بود.

برای جلسه اینده کتابی است به نام فتح الباب ان را مراجعه کنید ان شاء الله برای جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.